پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۵۹ـ۸۹ (مقاله پژوهشی)

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

کاوشی تازه پیرامون سنت‌های الهی رایج در تاریخ

سیدمحمد خاتمی‌نژاد[۱]، یدالله ملکی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۹/۲۰ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۲۱)

چکیده

آدمی، «آزاد» آفریده شده تا در بزنگاه‌های سرنوشت ساز ـ رها از زنجیرهای خرافه و کج فهمی ـ از نعمت «اختیار»، بهره گرفته و «رستگار» شود. سنت‌های الهی رایج در تاریخ که در آیات قرآن نیز بازتابی ویژه دارند، ابزاری کارآمد برای آزمایش بندگان و نمایاندن فرجام روشن یا تاریک آنان است. در این راستا، پس از واژه شناسی «سنت» در قرآن کریم و پرداختن به نگاه پیشوایان معصوم﵈ و دانشوران فریقین، سه ویژگی برجسته «فراگیر» و «خدایی» بودن سنت‌های تاریخی و پیوند آن‌ها با آزادی و اختیار را شناسانده و در پایان نیز سنت‌هایی همچون «زمامداری شایستگان»، «پیروزی پیامبران و باورمندان» و «بیداد؛ نابودگر امت‌ها» را بررسی کرده‌ایم. دستاورد پژوهش پیش رو نیز آن است که شناخت سنت‌های رایج در تاریخ پیشینیان، همچون شمعی روشن، فراروی راه آیندگان است تا دنیا و آخرت خویش را آباد سازند.

کلید واژه‌ها: *کاوش، سنت‌ها، الهی، تاریخ*

۱. دانشجوی سال آخر دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد (نویسنده مسئول)، itdana90@yahoo.com
۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد؛ yadollahmaleki@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

بیان مسأله

آموخته‌ها و اندوخته‌های پیشینیان در گذر زمان، می‌تواند نشـان دهنـده روش درسـت زندگی برای آیندگان باشد و اگر چنین نبود قرآن کریم، هرگز توده‌ها را به گردش در جهان و پندپذیری از فرجام تلخ تبهکاران، فرمان نمی‌داد: «**قُلْ سیرُوا فِـی الْـأَرْضِ فَـانْظُرُوا کَیْـفَ کانَ عاقِبَةُ الْمُجْرِمینَ**» (النمل، ۶۹) از این رو، آنان که با چشـمی بیـدار و اندیشـه‌ای پویـا، پیرامون خود را می‌نگرند، در پس هر پیشامدی، دست توانمند خدا را می‌بینند و باور دارند تاریخ و رخدادهای ریز و درشت آن از سنتی پایدار و بدون دگرگونی از سـوی پروردگـار دو جهان، پیروی می‌کند. از این رو، حضرت علی﵇ در نامه‌ای که برای «حـارث همـدانی» نگاشت، به وی فرمود: «بر حقّی که در زندگی گذشتگان بوده، گواه بـاش و از رخـدادهای گذشته تاریخ، برای آینده، پندگیر که رویدادهای روزگار با یکدیگر هماننـد بـوده و پایـان دنیا به آغازش می‌پیوندد و همه آن رفتنی است ... .» (سیدرضی، نامه ۶۹) اگر سـنت‌هـای الهی رایج در تاریخ، پایدار و بی دگرگونی نبود و از ویژگی «درس‌آموز» بودن بهره نمی‌برد، فرمان خدا و اولیای معصوم﵈ به پندپذیری از این سنت‌ها، بیهوده و ناروا بود. بدین سـان، آنان که از سنت‌های الهی تاریخ، درس‌های بایسته را فرامی‌گیرند، گویی با پیشینیان زیسته و کامیابی‌ها و شکست‌های آنان را به چشم خود دیده‌اند. تنها در سوره «قمـر»، شـش بـار گزاره تکان دهنده «فَهَلْ مِنْ مُدَّکِر» آمده که گویـای ارزش والای درس آمـوزی از فـراز و فرودهای زندگی گذشتگان است. ناگفته پیداست کـه از ایـن دسـت هشـدارها در قـرآن و روایات دینی، فراوان دیده می‌شود و آنان که بهـره‌ای درخـور از عقـل معادانـدیش داشـته باشند، فرجامی روشن را در این جهان و سرای پسین برای خود فراهم خواهند ساخت.

چیستی و چرایی «سنت‌های الهی» و پیامدهای آن‌ها در فرجام آدمی، همـواره یکـی از دغدغه‌های برجسته دانشوران اسلامی بوده است. از ایـن رو، اندیشـمندان علـوم قرآنـی و مفسران فریقین کوشیده اند با نگاهی ویژه، آیات قرآن کریم را در این باره بررسی کننـد. از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

میان اندیشمندان سده‌های چهاردهم و پانزدهم، تنها کسی که «سنت‌های تاریخی» را دستمایه سخن خود گرفته و اثری جدا در این زمینه نوشته، آیت الله سید محمد باقر صدر است. کتاب شهید صدر، «المدرسه القرآنیه» نام دارد که افزون بر پرداختن به قوانین و سنت‌های تاریخی در قرآن، بایستگی کندوکاو و ارزش پی بردن به جایگاه این سنتها را بررسی نموده است. از آن‌جا که محور گفتارهای کتاب، «سنتهای تاریخ در قرآن» است، سید جمال الدین موسوی، همین نام را برای نام پارسی آن برگزیده است.

به هر روی، پژوهش پیش رو از آن دسته از گفتارهای کلامی است که دانشوران مسلمان، کمتر بدان نگریسته و این نکته، ارزش والای پرداختن به آن را دوچندان می‌سازد. نگارنده نیز کوشیده است تا با نگاهی نو به پدیده سنت‌های الهی، بخش بندی‌های رایج در پژوهش‌های همگون را با گونه‌هایی جدید و کاربردی، جایگزین نماید. از این رو، سه‌گونه «سنت‌های رایج در تاریخ، سنت‌های دنیوی و اخروی و سنت‌های رهیافتگان و گمراهان» را برای سنن الهی برشمرده است. سپس به ویژگی‌های سه گانه سنن رایج در تاریخ پرداخته که شیوه‌ای نو در پژوهش‌هایی از این دست، به شمار می‌رود. در پایان نیز پنج سنت برجسته تاریخی به کمک آیات، روایات و چکامه‌های سرایندگان پارسی، بررسی شده است. افزون بر این، نگارنده تلاش کرده تا با بهره گیری از «واژگان پارسی»، شیرینی سخن را برای دست یابی به هدف نهایی خود در جان شنونده، دوچندان نماید. گرچه ناگفته پیداست نمی توان همه گفتار را به واژگان پارسی، آراست. زیرا از یک سو زمینه پژوهش، «قرآنی» است که بن مایه آن زبانی غیر از زبان پارسی است و از دیگر سو نمی توان برای واژگانی مانند «قرآن، آیه، سوره، تفسیر و...» از برابر پارسی آن بهره جست، زیرا به شیوایی گفتار و آسانی فهم هدف نهایی پژوهش، خدشه وارد می‌سازد.

۱. واژه «سنت» در قرآن کریم

واژه «سُنَّت» با هم خانواده‌ها و شیوه‌های گوناگون نگارش آن، ۱۵ بار در قرآن آمده که

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

بهره سُوَر مدنی از این شمارگان، هشت بار و سوره‌های مکی، هفت بار است. «سُنَّه» به تنهایی، فقط یک بار در آیه ۷۷ سوره إسرا آمده: «سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنا قَبْلَکَ مِنْ رُسُلِنا» ولی همراه با واژگان «لِـ ، نَا، الله و الاولین» و جایگاه‌های گوناگون نحوی در هشت سوره از قرآن به چشم می‌خورد. «سُنَن» جمع «سنت» است که دو بار در قرآن کریم به کار رفته (آل‌عمران، ۱۳۷ و النساء،۲۶) که یکی به سنت الهی و دیگری به شیوه زندگی پیشینیان پرداخته است. با نگاهی به آیات یاد شده، درمی یابیم که واژه «سنت» بیشتر نمایان‌گر سنت‌های الهی درباره پیشینیان است. بیشترین تکرار این واژه نیز در یک آیه به چهل و سومین آیه از سوره فاطر بازمی‌گردد که یک بار به سرنوشت شوم گردنکشان و دو بار هم به راه نداشتن دگرگونی (تبدیل) و واگذاری (تحویل) در سنت‌های الهی می‌پردازد: «اسْتِکْباراً فِی الْأَرْضِ وَ مَکْرَ السَّیِّئِ وَ لا یَحِیقُ الْمَکْرُ السَّیِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِینَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِیلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِیلًا: انگیزه این کارشان فقط گردنکشی در روی] زمین و نیرنگ زشت بود و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد. پس آیا جز سنّت و سرنوشتِ شوم پیشینیان را انتظار می‌برند؟ و هرگز برای سنّت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنّت خدا دگرگونی نخواهی یافت.»

ناگفته پیداست به کارگیری گزاره‌هایی مانند «سنة الاولین» و «سنن الذین من قبلکم» نشان دهنده دو سنت ناهمسان در برابر «سنت الهی» نیست. زیرا برخی اندیشمندان بر این باورند که هدف از گزاره «سنه الله» روشی است که خدا از روی حکمت خویش و بر پایه رفتار و سلوکی که مردم با شریعت او دارند، نسبت به آنان روا می‌دارد. (خرمشاهی، ۱۲۲۱/۲).

۲. «سنت» در نگاه پیشوایان معصوم

پس از آشنایی با واژه «سنت» در قرآن کریم، شایسته است تا با کاربرد این واژه از نگاه پیشوایان معصوم در جوامع و کتب روایی، آشنا شویم و هدف ایشان را از به کارگیری این واژه دریابیم. بررسی گذرای سخنان پیشوایان دینی، نشان می‌دهد که آنان، سنت را

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

افزون بر «سخن و روش زندگی پیامبرﷺ» به معنای «راهی استوار در برابر بیراهـه بـدعت» نیز دانسته‌اند که کوتاه درباره فراز دوم، سخن خواهیم گفت.

۲ـ۱. راهی استوار در برابر بیراهه «بدعت»

۱. کلینی در جلد نخست «کافی» در «بَابُ الْأَخْذِ بِالسُّنَّةِ وَ شَوَاهِدِ الْكِتَاب» سخنی از امام باقرؑ را آورده که فرمود: «هرکسی را جوشش و آرامشی است. آن که آرامشش به سـوی سنت باشد، رهبری شده و آن که آرامشش به سوی بدعت باشـد، گمـراه گشـته.» (کلینـی، ۷۰/۱) علامه مصطفوی در این باره نوشته است: «هرکسی برای اخذ دیـن درسـت و روش عملی خویش، ابتدا در تکاپو و تلاش و جوشش است. بـه هـر دری سـری مـی‌زنـد و از هرکسی چیزی می‌شنود تا بالاخره روش ثابتی برای خود اخذ می‌کنـد و دلـش آرامـش و سکون می‌یابد. کسی که نتیجه تلاش و جوشش، اخذ سنت و روش پیغمبـرﷺ باشـد و در آنجا آرامش دل یابد، هدایت یافته است و آن که حاصـل تکـاپویش، اتخـاذ روش بـدعت باشد گمراه است.» (مصطفوی، ۹۰/۱)

۲. شیخ صدوق در «من لا یحضره الفقیه» سخنی را از امـام محمـد بـاقر و امـام جعفـر صادقؑ در «بَابُ الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ» روایت کـرده کـه در پایـان آن فرمودنـد: «هـر بدعتی، گمراهی است و هر گمراهی، راهش به سوی دوزخ اسـت.» (ابـن بابویـه، ۱۳۷/۲) استاد علی‌اکبر غفاری در شرح این حدیث، می نویسد: «بدعت، «ادخال ما لیس مـن الـدّین فی الدّین» است: داخل نمودن چیزی در دین که در کتاب و سنّت، دستورش نبوده باشـد و افترا بستن بر خدا و رسول و ائمّه اطهارؑ است. مانند بسیاری از امـور کـه امـروز قاطبـه مسلمانان عوام، آن را دین می‌پندارند و آن از دین نیست. بلکه نهی از آن هم شـده اسـت، ولی چون جماعتی از آن بهره مادّی می‌برند و طرفداران زیادی از عوام النّـاس دارنـد کـه غالبا مردمی ثروتمند هستند، کسی را یارای گفتن آن نیست. حتّی دانشمندان و علما جرأت گفتن این‌که این‌ها بدعت است ندارند، چون مردم عامی به عنوان دین و سـنّت بـا آن خـو گرفته‌اند و مخالف را کافر می‌دانند.» (غفاری و صدر، ۲۹۸/۵)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

۳. علامه مصطفوی پس از بیان این سخن امام صادق﵇ که فرمود: «کسی که با قرآن و سنت محمدﷺ دشمنی ورزد، کافر است.» (کلینی، ۷۰/۱) چهار معنا برای واژه «سنت» برشمرده که نخستین آن، روش سازگار با دین و در برابر بدعت است. (مصطفوی، ۸۹/۱)

۳. سنت در نگاه اندیشمندان علوم قرآنی

پس از آشنایی با واژه سنت در قرآن کریم و کاربردهای آن در سخنان پیشوایان معصوم، به جاست تا درباره این واژه و کاربرد آن در روزهای آغازین اسلام و سده‌های پس از آن، آشنا شویم. از آن جا که هدف نگارنده، سخن درباره «سنت‌های الهی» است، از دیگر کاربردهای آن، چشم پوشیده و آرای برخی واژه شناسان، مفسرین، محدثین و اندیشمندان را درباره واژگان «سنت» و «سنت الهی» بررسی کنیم.

۳ـ۱. آرای واژه شناسان

نگارنده کتاب واژه شناسی «المحیط فی اللغه»، سنت را خو گرفتن به چیزی دانسته (صاحب بن عباد، ۲۴۸/۸) ولی ابن فارس در «معجم مقاییس اللغه» سنت را شیوه و روش، معنا کرده و بر این باور است که سنت را بدین نام نهاده‌اند، زیرا همواره در گردش است. وی، سنت پیامبرﷺ را روش همیشگی زندگی ایشان دانسته است. (ابن فارس، ۶۱/۳) راغب در مفردات با نگاه به دو آیه «**سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِی قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِیلًا**» (فتح، ۲۳) و «**لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِیلًا**» (الفاطر، ۴۳) سنت الهی را روش حکمت خدا و شیوه بندگی می‌داند. (راغب اصفهانی، ۴۲۹)

ابن منظور در لسان العرب، سنت را هنجار و روش می‌داند، خواه این روش، نیکو (حسنه) باشد یا زشت (قبیحه). وی سنت الهی را نیز بایدها و نبایدهای خدا و شیوه‌ای استوار در بازگویی دین برای مردم دانسته است. در نگاه او نیز همچون ابن فارس، سنت پیامبرﷺ همان شیوه زندگی ایشان است. یعنی هر چیزی که ایشان به آن فرمان داده یا از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

آن نهی کرده است و یا آن بخش از گفتار و کردار پیغمبرﷺ را دربرمی‌گیرد که در قرآن نیامده است. (ابن منظور، ۲۲۵/۱۳) فیومی در مصباح المنیر، سنت را به معنای روش و شیوه گرفته و او نیز مانند ابن منظور بر این باور است که سنت، می‌تواند پسندیده (حمیده) یا نکوهیده (ذمیمه) باشد. (فیومی، ۲۹۲/۲) طریحی در مجمع البحرین، سنت پیامبرﷺ را گفتار، کردار و پذیرش ـ قول، فعل و تقریر ـ ایشان دانسته است. وی سپس از گزاره قرآنی «قَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ» بهره گرفته و بر این باور است که سنت الهی، شیوه‌ای است که خدا در نابودی امت‌های پیشین به کار گرفته است. همانان که در برابر پیامبران ایستادند و فراخوان آنان را دروغ شمردند. (طریحی، ۲۶۸/۶) در میان فرهنگ‌های پرآوازه پارسی، دهخدا «سنت» را به معنای راه و روش، شیوه، قانون، رسم و آیین دانسته (دهخدا، ۲۰۳۲/۱۶) و فرهنگ عمید هم پس از برابر دانستن آن با واژگانی مانند روش، سرشت، طبیعت و شریعت، «سنت الهی» را بایدهای و نبایدهای خدا می‌داند. (عمید، ۷۵۵)

۳ـ۲. آرای مفسرین و محدثین

کلینی در «باب النوادر» از فصل دوم کتاب کافی، سخنی را از امام صادقؑ روایت کرده که فرمود: «قرآن در چهار بخش نازل شده. یک چهارم حلال و یک چهارم حرام و یک چهارم سنت‌ها و احکام و یک چهارم اخبار گذشتگان و آیندگان از شماست و آن چه پراکندگی را از میان شما برمی‌دارد.» (کلینی، ۶۲۷/۲) با این نگاه، «سنت» یکی از چهار پایه بنیادین ساختار کتاب خدا به شمار می‌رود. طبرسی در تفسیر مجمع البیان، در سخن از آیه «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلا» با گواه گرفتن آرای برخی واژه شناسان مانند زجاج آورده است که سنت، روال و روش در چاره اندیشی کارها و سنت پیامبرﷺ روشی است که به دستور خدا آن را انجام می‌داد. طبرسی بر این باور است که چون سنّت، روشی پیوسته و همیشگی است، پس به کاری که یک یا دوبار انجام گیرد، سنّت خدا و پیغمبرﷺ گفته نمی‌شود. (طبرسی، ۵۸۱/۸) علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

۶۲ از سوره احزاب، سنت را روال همیشگی دانسته که در همه یا بیشتر زمان‌ها جریـان دارد. (طباطبایی، ۳۴۰/۱۶) تفسیر اطیب البیان به کاربردهای گوناگون واژه سنت پرداختـه و آورده است: «از برای سنت، اطلاقاتی است: یکی مقابل فریضه. فریضه، اوامر الهی است که در قـرآن معین فرموده و سنت، دستورات پیغمبر و ائمه‌ﷺ است و به این معنی گفتند ادله شرعیه چهـار است: کتاب، سنت، اجماع و عقل و یکی به معنی مستحبّ مقابل واجب و این معنی است کـه گفتند احکام تکلیفیه پنج است: واجب، سنت، مباح، مکروه و حرام.» (طیب، ۵۳۰/۱۰).

به هر روی، برآیند آرای واژه شناسان دربـاره واژه «سـنت» را مـی‌تـوان روش، شـیوه، رسم، آیـین و هنجـار دانسـت. «سـنت الهـی» نیـز در نگـاه بیشـتر مفسـرین، محـدثین و اندیشمندان، بایدها و نبایدهای الهی از یک سو و روش پایدار و همیشـگی خـدا از سـوی دیگر درباره امت‌های گذشته، حال و آینده است.

٤. گونه شناسی سنت

گسترده‌ترین برداشت از واژه «سنت»، آیین زندگی و هنجارهای رفتاری پیشینیان اسـت که سینه به سینه به روزگار کنونی رسیده و بر پایه آیین و فرهنگ برتر هر مـرز و بـوم، در دو گروه «پسندیده و ناپسند» جای می‌گیرند.

٤ـ١. سنت‌های پسندیده

سنت‌های پسندیده، هنجارهای رایج در فرهنگ هستند که اسـلام، آن‌هـا را پذیرفتـه و بیشتر مردم هم آن‌ها را انجام می‌دهند، مانند ساخت مسجد و بیمارستان، رسیدگی به حـال سالخوردگان و دیدار با آنان، کمک به فرودستان و مسـتمندان، پیونـد زناشـویی، پـرورش فرزندان شایسته و ... . اسلام، هنجارهای سودمندی که با سرشت پاک آدمی «**فِطْـرَتَ اللَّـهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها**» (الروم، ۳۰) و فرمـان‌هـای الهـی سـازگارند را پذیرفتـه و آن‌هـا را ارزشمند می‌داند. در برخی از کتب تاریخی نوشته‌اند که عبدالمطّلب بسیاری از آیـین‌هـای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

پسندیده روزگار پیش از بعثت پیامبرﷺ را پایه گذاری نمود و اسلام نیز آن‌ها را پذیرفت:

بریدن دست دزدان

جلوگیری از طواف برهنه خانه خدا

حرام بودن نوشیدن مست کننده‌ها

ناروا دانستن زنده به گور کردن دختران

حرام بودن زنا و کیفر صد تازیانه برای آن

بیرون راندن زنان عشرتکده دار از زادگاه خود و ... . (یعقوبی، ۱۰/۲)

ابن شعبه حرّانی در «تحف العقول» در بخش سخنان امیرالمؤمنینﷺ و در باب «عهده الی الأشتر حین ولاه مصر و أعمالها» آورده است: «وَ لَا تَنْقُضْ سُنَّةً صَالِحَةً عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ اجْتَمَعَتْ بِهَا الْأُلْفَةُ وَ صَلَحَت عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ وَ لَا تُحْدِثَنَّ سُنَّةً تُضِرُّ بِشَيْءٍ مِمَّا مَضَى مِنْ تِلْکَ السُّنَنِ فَيَكُونَ الْأَجْرُ لِمَنْ سَنَّهَا وَ الْوِزْرُ عَلَيْکَ بِمَا نَقَضْتَ مِنْهَا: آیین‌های پسندیده‌ای که بزرگان نخستین، آن را به کار بسته‌اند و مایه همبستگی و بهبود زندگی توده‌هاست را درهم نشکن و خود نیز سنتی را پایه گذاری نکن که به آن سنن نیک، آسیب زند که در این حال، بهره سنت گذاران پیشین، پاداش باشد و سهم تو رنج و نکبت!» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۰ و ۱۳۱).

٤ـ۲. سنت‌های ناپسند

از دیگر سو، سنت‌های ناپسند با سرشت آدمی و بنیادهای دین، ناسازگار، در میان خردمندان و فرهیختگان، بی‌ارزش و نزد توده‌ها نکوهیده‌اند. در آیات قرآن و روایات پیشوایان دینی به برخی از این سنت‌ها که لغزش‌های مرگبار را در پی دارند، وعده کیفرهای سخت داده شده است: به تباهی کشاندن توده‌ها، نگارش کتب گمراه کننده، کاستن از بار زشتی گناه در جامعه و... . خطبه هفدهم نهج البلاغه، سیمای تاریک دو گونه از مردم را شناسانده که در شمار دشمن‌ترین آفریده‌ها نزد خدا هستند و ما به فرازهای نخست آن ـ که به این گفتار، نزدیک‌تر است ـ می‌پردازیم: «مردی که خداوند او را (به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

سبب عصیان و نافرمانی) به خود واگذاشته، پس (چنین مردی چون هرچه می‌خواهد، انجام می‌دهد) از راه راست منحرف گردیده و به سخن بدعت آور و دعوت مردم به ضلالت و گمراهی دل داده است (دوست دارد به این که سخنی بگوید که سبب احداث چیزی در دین شود که از دین نبوده و مردم را به گمراهی و بدعملی وادارد) پس این مرد، سبب فتنه و فساد است برای کسی که به واسطه او در فتنه واقع شده و گمراه است از راه کسی که پیش از او به راه راست رفته (بر طبق کتاب و سنّت رفتار کرده) و گمراه کننده است کسانی را که در زنده بودن و بعد از مردنش از او پیروی می‌کنند (و به سبب اضلال و گمراه کردنش) بار گناهان غیر خود را حمل کرده و در گرو گناه خویش هم می‌باشد.» (فیض الاسلام، ۷۲/۱)

۵. گونه شناسی سنن الهی

برآیند آنچه تاکنون بدان پرداخته ایم، این است که می‌توان هر آیه‌ای از قرآن کریم که دربرگیرنده سرگذشت پیشینیان، بیم و امیدها و یا پاداش و کیفر آنهاست را سنتی الهی به شمار آورد. برای نمونه در برخی از آیات قرآن می‌خوانیم که خدا بر هیچ یک از بندگان خود ستم روا نمی دارد:

وَ لا یُظْلَمُونَ شَیْئاً: و ستمی بر ایشان نخواهد رفت. (مریم، ۶۰)

وَ لا یُظْلَمُونَ فَتیلا: و به قدر نخِ روی هسته خرمایی ستم نمی‌بینند. (النساء، ۴۹)

وَ لا یُظْلَمُونَ نَقیراً: و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی‌گیرند. (النساء، ۱۲۴)

ناگفته پیداست که این گزاره‌ها بیانگر سنتی الهی هستند که «پیراستگی خداوند از ستم بر بندگان خود» نام دارد. این سنت در نگاه نخست، همه را دربرمی گیرد، ولی نوک پیکان، بیشتر سوی ستمگرانی است که می‌کوشند فرجام تاریک و کیفرهای سخت خود را به خدا واگذارند! بنابراین، سنت یاد شده، از یک سو ویژه گمراهانی است که از پاسخ گویی به کردار زشت خود در روز رستاخیز، شانه خالی می‌کنند و از سوی دیگر، سنتی آن جهانی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

است تا رهیافتگان، باور کنند که خدا بر هیچ کس، ستم روا نمی‌دارد. بنابراین، باید پذیرفت که گونه‌شناسی سنن الهی در قرآن کریم، کاری بس دشوار و نیازمند موشکافی بالاست. ما سنت‌های الهی را به سه شاخه گوناگون، تقسیم کرده ایم که در این جا تنها به گروه نخست، خواهیم پرداخت: «سنت‌های رایج در تاریخ، سنت‌های دنیوی و اخروی، سنت‌های رهیافتگان و گمراهان.»

۶. سنت‌های رایج در تاریخ

رخدادهای ریز و درشت تاریخ از آغاز زندگی آدمی بر روی زمین، چونان «نقشه راهی»، دربرگیرنده پیام‌هایی راهگشا برای آیندگان بوده است. خدا نیز از همگان خواسته تا با اندیشیدن در تاریخ و بررسی سرگذشت‌های تلخ و شیرین پیشینیان، پندپذیر باشند. تنها در سوره «قمر»، شش بار گزاره تکان دهنده «فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ» آمده که گویای ارزش والای درس آموزی از فراز و فرودهای زندگی گذشتگان است. پیش از پرداختن به نمونه‌هایی از این سنت‌ها، سه ویژگی برجسته آن‌ها را بررسی خواهیم کرد: «فراگیر» و «خدایی» بودن سنن تاریخی و پیوند آن‌ها با «آزادی و اختیار».

۶ـ۱. فراگیر بودن سنت‌های تاریخی

نخستین ویژگی سنن تاریخی، فراگیر بودن آن‌هاست. یعنی آن چنان در تار و پود زندگی مردم ریشه دوانده‌اند که همگان می‌توانند از آن درس بگیرند. یعنی سراسر گیتی، همه زمان‌ها و یکایک مردم را در بر می‌گیرد و رنگ، نژاد، زبان و مرز و بوم در فراز و فرود آن، کارایی ندارد. در تفسیر نمونه، در این باره می‌خوانیم: «خداوند سنت‌هایی در اقوام گذشته داشته که این سنن، هرگز جنبه اختصاصی ندارد و به صورت یک سلسله قوانین حیاتی درباره همگان، گذشتگان و آیندگان، اجرا می‌شود. در این سنن، پیشرفت و تعالی افراد باایمان و مجاهد و متحد و بیدار، پیش‌بینی شده و شکست و نابودی ملت‌های پراکنده و بی‌ایمان و آلوده به گناه نیز پیش‌بینی گردیده که در تاریخ بشریت، ثبت است.» (مکارم شیرازی، ۱۰۲/۳).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

پیش‌تر این نکته را یادآوری کردیم که واژه سنت، دو بار در قرآن کریم به شکل «سُنَن» آمده که هر دو آیه به همین ویژگی سنت‌های تاریخی می‌پردازند. نخست، آیات ۱۳۷ و ۱۳۸ سوره آل عمران را بررسی می‌کنیم: «**قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبِين * هذا بَيانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدىً وَ مَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِين**: قطعاً پیش از شما سنّت‌هایی [بوده و] سپری شده است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟ این [قرآن] برای مردم، بیانی و برای پرهیزگاران، رهنمود و اندرزی است.» (آل‌عمران، ۱۳۷ و ۱۳۸)

در این آیات، پس از بیان سنت خداوند در کیفر آنان که آیات خدا را دروغ می‌شمرند، پندآموزی از این سنت را پیامی روشن برای توده‌ها و اندرزی برای پرهیزگاران می‌داند. در نگاه نخست، سه نکته بنیادین در آین آیات به چشم می‌خورد:

یادآوری سنت‌های پیشینیان

فرمان به جهانگردی و بازگویی سرگذشت پیشینیان

دستاورد این جهانگردی برای توده‌ها و پرهیزگاران

درباره سنت‌های پیشینیان، باید گفت که برای همه امت‌ها و در همه سرزمین‌هایی که برهان‌های پیدا و پنهان الهی، پیامبران و بندگان وارسته، می‌زیسته اند، انجام شده است. از این‌رو، خدا از همگان خواسته تا درباره سرگذشت پیشینیان بیندیشند و از آن به خوبی پند بگیرند. نخستین درس این سنتها که در میان همه امت‌ها رایج بوده، آن است که یاران پیامبران، «رستگار» و بدخواهان ایشان، «نابود» شده‌اند: «**فَانْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبِين**» (آل‌عمران، ۱۳۷) همانان که آیات خدا را دروغ شمردند، در وادی تاریکی و تباهی تاختند و در برابر پیامبرانﷺ ایستادند.

آیت‌الله طالقانی در تفسیر «پرتوی از قرآن» درباره تبارشناسی پیشینیان و رویارویی جبهه حق و باطل، آورده است: «اگر مُصدّقین به حق و مجاهدین در برابر باطل‌ها و موانع که همان راه کمال و تکامل است، برای چندی متوقف شدند و یا به شکست برخوردند، باز

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

آن راه به قدرت نیرومند حرکت حیات، ادامه یافت و در مسیر تاریخ امت‌ها ترسیم شده، آن سنت‌ها را پیمبران و رهبران بزرگ و پیروان آنان باز و تصدیق کردند، میدان وسیع زندگی انسانی و رحمت و خیر را گشودند و این آدم نماهای واژگون در حیوانیت و خزیده در لاک غرورها و پوست غرائز و شهوات و مکذب به موقعیت و حقایق حیات، آن را دروغ پنداشتند و این مکذبین مانند ساختمانی که در معرض سیل قرار دارد و خاشاک روی آن، از میان برداشته شدند و در گوشه و کنار آثاری برای عبرت آیندگان و اندیشمندان به جای ماند». (طالقانی، ۳۴۳/۵ و ۳۴۴)

یکی از رازهای فراگیر بودن سنت‌های الهی، آن است که دربرگیرنده همه رنگ‌ها، نژادها و حتی آیین‌هاست. هرکس ـ چه باورمند باشد و چه ناسپاس ـ دستاورد پذیرش یا نافرمانی خود را در برابر سنت‌های تاریخی خواهد دید. نگاه تفسیر کاشف را به این ویژگی برجسته در چارچوب دو نمونه پندآموز می‌خوانیم: «کسی که هنر شنا کردن را می‌داند، به ساحل نجات می‌رسد، هرچند کافر باشد و کسی که این هنر را نمی‌داند، غرق و نابود می‌شود، هرچند مؤمن باشد. همچنین اگر کسی خود را در برابر دشمن آماده سازد و دشمن، این آمادگی را نداشته باشد، پیروز خواهد شد، اگرچه بی دین باشد و کسی که سستی ورزد و آمادگی پیدا نکند، شکست خواهد خورد؛ اگرچه از برگزیدگان و راستگویان باشد.» (مغنیه، ۱۶۰/۲)

نگارنده تفسیر نمونه، چکامه‌های سرایندگان پارسی را دستمایه سخن خود گرفته و بر این باور است که هدف قرآن از دستور به جهانگردی و آشنایی با تاریخ پیشینیان، سرگرمی و بازیچه نیست: «ویرانه کاخ‌های ستمگران و بناهای شگفت‌انگیز اهرام مصر و برج بابل و کاخ‌های کسری و آثار تمدن قوم سبأ و صدها نظایر آن که در گوشه و کنار جهان پراکنده‌اند، هر یک در عین خاموشی، هزار زبان دارند و سخن‌ها می‌گویند و اینجاست که شاعران نکته سنج به هنگامی که در برابر خرابه‌های این کاخ‌ها قرار می‌گرفتند، تکان شدیدی در روح خود احساس کرده و اشعار شورانگیزی می‌سرودند ... عالِم معروف

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

مرحوم شیخ ابیوردی در قصیده معروفش در برابر تخت جمشید می‌گوید:

جَم عبرت مردم شد، افسر ز سرش گم شد　　سر خشت سر خُم شد،هان ای سر باهُش‌هان

این پند خموشان است گر پند زبان خواهی　　رو آیـه «اورثنـــا» از مکتب قرآن خوان»

(مکارم شیرازی، ۱۰۳/۳)

بنابراین، سنت‌های الهی، همه انسان‌ها و همه روزگاران را دربرمی‌گیرد و ویژه یک امت یا سرزمین و یا برشی کوتاه از تاریخ نیست. از این‌رو، مردم باید خـود را بـه درجـه‌ای از آگاهی برسانند که بدانند در صورت دروغ انگاشتن آموزه‌هـای پیـامبران و انجـام گناهـان گوناگون ـ که مایه خشم خداست ـ به سختی کیفر خواهند شد. در دانشنامه قـرآن در ایـن باره آمده است: «فراگیر بودن [این] سنت‌ها، این مطلب را یـادآوری مـی‌کنـد کـه مردمـان باید پند بپذیرند. چراکه در صورت ارتکاب اعمالی، قطعا همان سنت‌هـای معمـول در حـق گذشتگان گریبان‌گیر آنان نیز خواهد شد.» (خرمشاهی، ۱۲۲۱/۲)

سخن در این باره را با خطبه ۲۲۶ نهج البلاغه به پایان می‌بـریم کـه امـام علـی﵇ بـا هشدارهایی تکان دهنده، آیندگان را از راه هراس آلود پیشینیان، بیم می‌دهند: «بندگان خدا! بدانید که شما و آنچه در آنید، به راه آنان که پیش از شما بودند، روانید که زندگانی‌شـان از شما درازتر بود و خانه‌هاشان بسازتر و یادگارهاشان دیریازتر. کنون آواهاشان نهفته شـد و بادهاشان فروخفته. تن‌هاشان فرسوده گردید، خانه‌هاشان تهـی و نشـانه‌هاشـان ناپدیـد ... گویی شما هم به جایی رفته‌اید که آنان رفته‌انـد و آن خوابگـاه بـه گروتـان برداشـته و آن امانت، جای شما را در کنار خود داشته. پس چگونه خواهید بود اگر کار شما به سر آید و گورها گشاید؟ «هُنالِکَ تَبْلُوا کُلُّ نَفْسٍ ما أَسْلَفَتْ وَ رُدُّوا إِلَی اللَّهِ مَوْلاهُمُ الْحَقِّ وَ ضَلَّ عَـنْهُمْ ما کانُوا یَفْتَرُونَ: آن هنگام آزموده می‌شود هر کس بدانچه پیشاپیش فرستاده و بازگردانیـده می‌شوند به سراغ خدا که مولای راستین آنهاست و به کارشـان نیایـد آنچـه بـه دروغ بـر می‌بافتند.»» (شهیدی، ۲۶۱ و ۲۶۲)

دومین آیه‌ای که به همگانی و فراگیر بودن سنت‌های تاریخی پرداخته، آیه ۲۶ از سوره

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

نساست: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَ يَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيم: خدا می‌خواهد برای شما توضیح دهد و راه [و رسم] کسانی را که پیش از شما بوده‌اند به شما بنمایاند و بر شما ببخشاید و خدا دانای حکیم است.»

در تفسیر المیزان، «هدایت» در گزاره «يَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ»، شناساندن همه سنت‌های رایج در میان امت‌های پیشین است. چه آنان که بر حق بودند و چه آن‌ها که راه باطل را پیمودند. علامه طباطبایی بر این باور است که خدا بر آن است تا از رهگذر بازگویی سنت‌های پیشینیان، آگاهی توده‌ها را افزایش دهد که دستاورد فزونی این بینش، پاسداشت و پیروی از سنت‌های پسندیده و رها کردن سنت‌های ناپسند است. (طباطبایی، ۲۸۱/۴)

ناگفته پیداست اگر این سنت‌ها تنها ویژه یک قوم از پیشینیان باشد و پیوندی با سایر امت‌ها و روزگاران پس از خود نداشته باشد، امید راهنمایی آیندگان که در نکات تفسیری آیه بدان پرداختیم، بیهوده و بی ارزش است. نگارنده تفسیر اثنی عشری بر این باور است که هدف از «هدایت» در این آیه، شناساندن آیین نیکوی پیامبران پیشین مانند حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام به آیندگان است. گزاره قرآنی «يَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» در پی آموزش شیوه زندگی راهیافتگان به توده‌هاست تا بکوشند همچون برگزیدگان جبهه حق، از زشتی‌ها و گناهان جبهه باطل، دوری کنند. (شاه عبدالعظیمی، ۴۰۳/۲) این نگاه نیز به همه‌گیر بودن سنت‌های تاریخی می‌پردازد. زیرا مانند نقشه راهی فراروی آیندگان است که از رهگذر بررسی آیین و تاریخ پیشینیان، شیوه‌ای پسندیده برای زندگی در پیش بگیرند و فرجامی نیک در این جهان و سرای دیگر برای خود فراهم سازند.

بی‌گمان، یکی از ارزشمندترین سخنانی که می‌توان در تفسیر این آیات، بدان پرداخت، حکمت ۳۱ نهج البلاغه است. آن جا که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «یقین بر چهار شعبه است: بینایی زیرکانه، دریافت عالمانه، پند گرفتن از گذشت زمان و رفتن به روش پیشینیان. پس آن که زیرکانه دید، حکمت بر وی آشکار گردید و آن را که حکمت، آشکار گردید عبرت آموخت و آن که عبرت آموخت، چنان است که با پیشینیان، زندگی را در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

نوردید.» (شهیدی، ۳۶۵) در این فراز از سخنان علی بن ابی طالب﵇ پایه‌های چهارگانه یقین، چونان حلقه‌های یک زنجیر، آدمی را به چنان جایگاهی از «بینش» می‌رساند که گویی با پیشینیان زیسته و از تجربه‌های تلخ و شیرین زندگی آنان، بهره‌ها گرفته است.

آیت الله سید محمدباقر صدر در کتاب «سنت‌های تاریخ در قرآن» پس از نام بردن از آیاتی که به این ویژگی ارزشمند پرداخته‌اند، می‌نویسد: «قرآن بر اثر پافشاری که روی کلیت داشتن و عمومی بودن سنت‌های تاریخ به عمل می‌آورد، آن را مایه علمی می‌بخشد و در انسان‌های مسلمان، احساسی برمی‌انگیزد تا حوادث تاریخی را پیگیری کنند و با بصیرت و آگاهی، آن‌ها را بپذیرند، نه کورکورانه و با منطق با آن‌ها برخورد کنند نه اجبارا تسلیم آنها شوند و نه به سادگی، آن‌ها را تلقی نمایند... .» (صدر، ۸۴ و ۸۵) وی سپس آیه ۲۱۴ از سوره بقره را گواهی بر سخن خود گرفته: «**أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْساءُ وَ الضَّرَّاءُ وَ زُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتى نَصْرُ اللَّهِ أَلا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ**» و بر این باور است که: «این متون صریح قرآن، ما را به خصوصیت استمرار و کلیت قوانین الهی واقف می‌سازد و به آنها جنبه اصالت علمی می‌بخشد و با شدت، کسانی را که می‌اندیشند یا طمع دارند از سنت‌های تاریخ مستثنی باشند، عتاب می‌کند.» (صدر، ۸۴ و ۸۵)

از این‌رو، سنن تاریخی آن چنان فراگیرند که همگان می‌توانند برای بهبود زندگی خود، از آن‌ها درس بگیرند و بکوشند تا به کمک پندپذیری از پیشامدهای روزگار پیشینیان، زمینه‌های نیک بختی و رستگاری خود را فراهم سازند.

۶ـ۲. خدایی بودن سنت‌های تاریخی

ویژگی دوم سنت‌های تاریخی از نگاه قرآن، خدایی بودن آن‌هاست. گزاره «سنه الله» که در بخش واژه شناسی بدان پرداختیم، گویای آن است که سنت‌های رایج در تاریخ، رنگ و بوی الهی دارند. استاد محمدرضا حکیمی در «الحیاه» در این باره آورده است: «پیامبران از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

رهگذر باور فراگیری که پیرامون سنت‌های تاریخی داشتند، برای پاسداری از حق و گسترش دادگری و نیک اندیشی تلاش می‌کردند. زیرا شناخت آنان نسبت به سنت‌های تاریخی، درست و بر پایه نگاه و باوری ژرف بود. آن‌ها به خوبی می‌دانستند که این سنت‌ها رنگ و بوی الهی دارد و خدا آن‌ها را با روشی استوار و سازگار با قانون علت و معلول، اندازه گیری و پایه گذاری نموده است.» (آرام، ۳۷۷/۱)

سنت‌های تاریخی، آرام آرام و در گذر زمان، گویی «قانون‌های نانوشته»ای شده‌اند که رهبران خرد و کلان، می‌کوشیدند توده‌ها را به کمک آن‌ها بیم دهند و بیدار کنند. از این‌رو، فرهیختگان و خردمندان حق بین، در ورای هر رخداد تاریخی، دست خدا را می‌بینند و درس‌های بایسته از آن رویدادها را برای مردم بازگو می‌کنند. خیزش خونرنگ سیدالشهدا﵇ یکی از همین رویدادهای تاریخی است که درس‌های پیدا و پنهان آن پس از ۱۴۰۰ سال، هنوز زنده و پاینده است و سخنوران و نویسندگان زبردست، هر ساله آموزه‌ها و پیام‌های جدیدی را از آن برداشت کرده و تشنگان فرهنگ عاشورا را سیراب می‌کنند. آری، درهای این دانشگاه به روی همه شیفتگان و دلبستگان به آن باز است، زیرا ایستادگی امام حسین﵇ در برابر دستگاه ستم پیشه اموی، در چارچوب سنتی تاریخی ارزیابی می‌شود که خدایی بودن آن بر همگان، هویداست. به دیگر سخن، اگر زبانی راستگو و چشمی حق بین داشته باشیم، هرجا که سخن از رویارویی جبهه حق و باطل با یکدیگر است، خدایی بودن آن رویداد و سنت تاریخی برای ما آشکار خواهد بود.

آیت الله صدر درباره این ویژگی برجسته سنت‌های تاریخی در قرآن می‌نویسد: «سنن تاریخ، ربّانی است. یعنی مربوط به خداست، «سنه الله» است و به تعبیر دیگر «کلمات الله» است. یعنی هر قانونی از قوانین تاریخ، «کلمة الله» است. یک قاعده الهی است. پافشاری قرآن روی الهی بودن سنت‌های تاریخی و خصوصیت غیبی داشتن آن‌ها برای پرورش اندیشه وابستگی انسان به خداست. یعنی حتی وقتی انسان می‌خواهد از طبیعت برخوردار شود، به «الله» وابسته است تا انسان بتواند خدا را دریابد و احساس کند موقعی می‌تواند از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

نظم کامل جهان در میدان‌های مختلف قوانین و سنت‌های حاکم بر طبیعت برخوردار باشد که از خدا فاصله نگیرد. زیرا خداوند قدرتش را از خلال همین سنت‌ها اعمال می‌کند.» (صدر، ۸۵) آیت الله صدر در دنباله سخن، این پرسش را پیش کشیده که برخی گمان می‌کنند این رابطه غیبی و الهی علم تاریخ، باعث می‌شود تاریخ از بررسی‌ها و تحلیل‌های علمی خارج شود. ولی خود، پاسخ این پندار نادرست را داده است: «قرآن کریم، وقتی سنت‌های تاریخی را می‌خواهد پوشش الهی بدهد، نمی‌خواهد تاریخ را تنها به تفسیر الهی‌اش توجیه کند، بلکه می‌خواهد روی این حقیقت تأکید کند که این سنت‌ها خارج از قدرت الهی نیست. به عکس، قدرت خدا اگر بخواهد شکل بگیرد و تحقق یابد، به صورت همین سنت‌ها درمی‌آید. قوانین طبیعت، کلمات خدا، سنت‌های الهی و تجسم اراده و حکمت او در عالم است تا انسان پیوسته دستش به سوی خدا دراز باشد و همیشه وابستگی‌اش را به او حفظ کند تا پیوند مستحکمی بین علم و ایمان پدید آید.» (صدر، ۸۸)

۶ـ۳. پیوند سنت‌های تاریخی با «آزادی و اختیار»

آخرین ویژگی سنت‌های تاریخی، پیوند آن‌ها با آزادی و اختیار آدمی است.

خدا مردم را «آزاد» آفرید تا در بزنگاه‌های سرنوشت ساز ـ رها از زنجیرهای خرافه و کج فهمی ـ از نعمت خدادادی «اختیار»، بهترین بهره را برده و راه درست را برگزینند. سنت‌های تاریخی در گذر زمان و در بستر رخدادهای ریز و درشت، برای آدمی روی می‌دهد و اگر او بی بهره از این دو بال ارزشمند (آزادی و اختیار) باشد، بی گمان روی رستگاری را نخواهد دید. به این آیات بنگریم:

«**إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ**»: در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. (الرعد، ۱۱)

«**ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّراً نِعْمَةً أَنْعَمَها عَلى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ**»: این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

نمی‌دهد، مگر آن که آنان آن چـه را در دل دارنـد تغییـر دهنـد و خـدا شـنوای داناسـت. (الانفال، ۵۳)

گزاره قرآنی «**حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ**» در این دو آیه، از یک سو بـه نقـش بـی همتـای آزادی و اختیار در دگرگونی احوال امت‌ها می‌پردازد و از سوی دیگر نشـان مـی‌دهـد کـه سنت‌های تاریخی، فراتر از توان و اختیار آدمی نیست و خداوند هرگونه دگرگونی ـ نیـک یا بد ـ را به بندگان خود واگذار کرده است. سنن تاریخی، فرصـت‌هـایی بـی‌بازگشـت در زندگی بندگان هستند تا آنان بتوانند به کمـک دو نعمـت آزادی و اختیـار، بـه رسـتگاری برسند. ناگفته پیداست که ریشه دگرگونی در امت‌ها هم این است که آنان از این دو نعمـت ارزشمند بهره‌مند باشند، وگرنه نمی‌توان درباره پیام این آیه و آیات همسان، سخنی گفت.

پس از بررسی سه ویژگی سنت‌های تاریخی، شایسته است شـماری از برجسـته تـرین سنن رایج در تاریخ را نام برده و کوتاه و گزیده، درباره آن‌ها سخن بگوییم.

۱. زمامداری شایستگان

یکی از سنت‌های خدا در قرآن کریم، زمامداری شایستگان در زمین است: «**وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ**: و در حقیقت در زبـور پـس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.» (الانبیاء، ۱۰۵)

ثبـت فرمودیم مـا انـدر زبور　　از پس تورات موسی در سطور
کارضِ جنت هست میزان از قرار　　بر عبادم آن کـه شد شایسته کـار

(صفی علی شاه، ۴۷۹)

براساس رأی برخی مفسرین شیعی (طبرسی، ۱۰۶/۷؛ امـین، ۳۱۴/۸؛ مغنیـه، ۳۰۳/۵؛ مکارم شیرازی، ۵۱۹/۱۳ و ...) پیام این آیه، خیزش جهـانی امـام زمـان و فرمـانروایی ایشان در سراسر جهان است. در تفسیر شریف لاهیجی آمده است: «از حضرت ابـی جعفـر الباقر مروی است که هُم اصحاب المهدی فی آخرالزمان و یدل علـی ذلـک مـا رواه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

الخاص و العام عن النبیﷺ انه قال: لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول اللّه ذلک الیوم حتی یبعث رجلا صالحا من اهل بیتی یملأ الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا.» (اشکوری، ۱۵۵/۳) بر پایه این سنت الهی، اگر تنها یک روز از زندگی زمین بازمانده باشد، آن روز چنان به دراز خواهد کشید که مردی شایسته از خاندان پیغمبرﷺ زمام امور را به دست بگیرد تا پرچمدار سروری نیکوکاران باشد.

فرمانروایی شماری از بندگان برگزیده خدا از میان پیامبران و جانشینان ایشان که در برش‌هایی کوتاه از تاریخ رُخ داده، گواهی بر این سنت تاریخی است: فرمانروایی حضرت سلیمان‌ؑ رهبری پیغمبرﷺ در یثرب و سالهای نخست زمامداری علی بن ابی طالبؑ در کوفه.

۲. بالندگی و همه گیر شدن اسلام

پنجاه و پنجمین آیه از سوره نور، به روزهای روشنی در آینده، می‌پردازد که خداوند: فرمانروایی را به باورمندان نیکوکار خواهد بخشید: «**وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ**»

دین اسلام را که برای توده‌ها پسندیده، در سراسر جهان استوار خواهد کرد: «**وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ**»

ترس آن‌ها را با آرامشی پایدار جایگزین خواهد کرد: «**لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً**».

برآیند این سه گزاره نیز در فرازهای پایانی آیه آمده است: «**یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً**» مردم با پرستشی بی آلایش به خدا نزدیک خواهند شد.

آمد آیت که نموده وعده حق — آن که را شد بر عطایش مستحق

آن که یعنی بگرویده از شما — هم بُوَد شایسته کار و نیک را

تا نمایدْشان خلیفه در زمین — همچو ایشان که نموده پیش از این

(صفی علی شاه، ۵۱۰)

نگاه این سنت تاریخی به آینده است، ولی دربرگیرنده پیشینیان نیز هست: «**کَما**

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ» و این بدان معناست که چونان سنت «فرمانروایی شایستگان»، شماری اندک از امت‌های پیشین نیز چنین روزگار دلنشینی را به چشم خویش دیده‌اند. طبرسی در شأن نزول این آیه آورده است: «اُبیّ بن کعب گوید: هنگامی که پیامبرﷺ وارد مدینه شد و «انصار» او را پناه دادند، تازیان به دشمنی آنها برخواستند. شب‌ها با جنگ افزار می‌خوابیدند و روزها آن را از خود جدا نمی‌کردند. گفتند: آیا روزی خواهد آمد که ما در آسایش و آرامش به سر بریم و تنها از خدا بترسیم؟ پس، این آیه فرو فرستاده شد.» (طبرسی، ۲۳۹/۷) دیری نپایید مسلمانانی که در آرزوی یک دَم آرامش بودند، در سال هشتم هجری و پس از گشوده شدن شکوهمند و بدون خونریزی شهر مکه، به بار نشستن «**لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً**» را به چشم خود دیدند.

به هر روی، باید دانست که نگاه این آیه مانند سایر آیات قرآن، تنها به روزگاری ویژه نیست و همه زمان‌ها و مکان‌ها را دربرمی گیرد. هم چنان که مقداد از پیغمبرﷺ روایت کرده که فرمود: «هیچ خانه‌ای گلین یا مویین در روی زمین نمی‌ماند مگر این که خداوند، ندای اسلام را به کمک بالا بردن فرودستان و خوار کردن گردنکشان به آن‌جا می‌رساند تا همگان در برابر اسلام راستین، کرنش کنند.» (طبرسی، ۱۱۷/۳)

پس از بررسی بخش نخست این سنت تاریخی، یعنی بالندگی اسلام به کمک آیات قرآن و آرای مفسرین، اینک به «همه‌گیر» شدن آن می‌پردازیم. پیام دو آیه همسان در قرآن کریم (التوبه، ۳۳) و (الصف، ۹) همه گیر شدن دین اسلام در گوشه و کنار جهان و پیروزی بی چون و چرای آن بر آیین‌های ساخته دست بشر است: «**هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ**.»

اوست آن کس که فرستاد از وِداد — مَر پیمبر بَهر ارشاد عباد
تا کند غالب به هر دین، دین حق — مشرکان را گرچه هست اکراه و دق

(صفی علی شاه، ۷۶۵)

ثعلبی که از مفسرین به نام اهل سنت در سده پنجم هجری است، روایتی را از سدّی آورده

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

که هدف از آیه، روزگار زمامداری حضرت مهدیﷺ است که هیچ کس در جهان نیست مگر آن‌که آیین «اسلام» را می‌پذیرد یا به حکومت اسلامی، خراج می‌دهد. (ثعلبی، ۳۶/۵)

بر پایه رأی همه اندیشمندان شیعی، این مژده فرخنده در زمان فرمان روایی حضرت ولی‌عصرﷺ به بار خواهد نشست و پرچم اسلام در خاور و باختر برافراشته خواهد شد، هرچند خوشایند سران جبهه باطل نباشد. طبرسی درباره گزاره «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» بر این باور است که خدا اسلام را به کمک «گواهی چیره» بر سایرین پیروز گردانَد، بدان سان که در روی زمین، آیینی به جای نمانَد جز آن که در برابر اسلام، شکست می‌خورد و هیچ کس نمی تواند در گواه آوردن بر مسلمانان پیروز گردد.» (طبرسی، ۳۸/۵) نگاه نگارنده تفسیر مخزن العرفان به مژده این آیه هم شنیدنی است: «هر چیزی را که در عالَم آفریده شده، غایت و فایده‌ای دارد و تا سیر استکمالی او به منتهی نرسد، تحول پیدا نمی‌کند. البته برای زمین ما هم غایت و فایده‌ای است که بایستی به کمال لایق به خود برسد و معلوم است که فایده زمین و اهل زمین این است که کلمه توحید و اسلام، سرتاسر آن را فرا بگیرد و این که هنوز واقع نگردیده و نظر به این که «وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» بایستی به غایت برسد و بعد منحل گردد به عالَم قیامت ... .» (امین، ۳۷/۶) بنابراین، تا زمانی که مژده‌های این آیه از جمله «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» به بار ننشیند، گویی جبهه حق به آرزوی دیرین خود نرسیده است!

تفسیر نمونه، همه گیر شدن اسلام را وامدار پیشرفت دانش آدمی و آسان تر شدن پیوندها میان مردم می‌داند: «با گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش و سهولت ارتباطات، واقعیت‌ها چهره خود را از پشت پرده‌های تبلیغات مسموم به در خواهد آورد و موانعی را که مخالفان حق بر سر راه آن قرار می‌دهند، درهم کوبیده خواهد شد و به این ترتیب، آیین حق همه جا را فراخواهد گرفت، هرچند دشمنان حق نخواهند و از هیچ گونه کارشکنی مضایقه نکنند، زیرا حرکت آن‌ها حرکتی است بر خلاف مسیر تاریخ و بر ضدّ سنن آفرینش!» (مکارم شیرازی، ۳۷۰/۷)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

ناگفته پیداست که مژده زیبای این آیه بـه ویـژه گـزاره «**لِيُظْهِـرَهُ عَلَـى الـدِّينِ كُلِّـه**» آن انـدازه امیدبخش هست که همه مفسرین کوشیده‌اند شـیرینی آن روزگـار بـی همتـا را در برابـر چشـمان شیفتگان آیین برادری و برابری به نمـایش گذارنـد. در تفسـیر ترجمـان فرقـان، دربـاره آن دوره شورآفرین که آدمی در فرمانروایی دین، خواهد آزمود، آمده است: «خدا دین پسندیده خـود را کـه همان اسلام آخرین است تمکین دهد. پس از گرفتاری‌ها و نابسامانی‌ها و اسارت انسـانها در زیـر سلطه ستم‌ها و جفای تازیانه‌ها، فرماندهی جهان تکلیف بر مبنای همین دین تمکین گـردد. سـپس تمامی خوفها و نگرانی‌ها در این سایه سلطه ربّانی برطرف شود و معرفت الهی در قلب‌ها جـاری و ساری گردد و روح تعبد و یگانه پرستی در انسان‌ها زنده و بیدار گردد، بـه طـوری کـه کـافران در اقلیت قرار گیرند... .» (صادقی تهرانی، ۴۵۳/۳)

۳. پیروزی پیامبران و باورمندان

برگ‌های تاریخ، گواه آن است که جبهه باطل با همه توش و توان خود، همواره کوشیده است افزون بر ایسـتادگی در برابـر پیـامبران و دشـمنی بـا آنـان از راه آزار و شـکنجه و جنگ‌های خونین، پیروان پارسای آیین‌های الهی را از ماندن در جبهه حق، پشـیمان کنـد، ولی خدا همواره یاری گر رهیافتگان است: «**وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَـوِيٌّ عَزِيـزٌ**: و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد، چرا که خدا سخت، نیرومند شکست‌ناپذیر است.» (الحج، ۴۰)

در آیات ۱۷۱ تا ۱۷۳ سوره صافات می‌خوانیم: «**وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنا لِعِبادِنَـا الْمُرْسَـلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَ إِنَّ جُنْدَنا لَهُـمُ الْغـالِبُونَ**: و قطعـاً فرمـان مـا دربـاره بنـدگان فرستاده ما از پیش [چنین] رفته است * که آنان [بر دشمنان خودشان] حتماً پیروز خواهند شد * و سپاه ما هرآینه غالب‌آیندگانند.»

قول ما بگرفته پیشی بالیقین — بر عباد مرسلین وانست ایـن
که رسولانند منصـورون تمام — هم جنود ماست غالب بر انام

(صفی علی شاه، ۶۳۳)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

در تفسیر اطیب البیان، درباره سنت تاریخی «پیروزی پیامبران و باورمندان» آمده است: «خداوند نصرت می‌فرماید انبیا را بر دشمنان و کفار و مشرکین هم به قهر و غلبه و هم به حجت و معجزه و دلیل و برهان. چنانچه نوح و هود و صالح و ابراهیم و لوط و شعیب و موسی و داوود و سلیمان﵈ و مؤمنین به آنها را نجات دادیم و مخالفین و کفار به آنها را هلاک کردیم به غرق و خسف و صیحه و صاعقه و امطار حجاره و قتل و سایر بلیات و نیز وعده دادیم و گفتیم: **وَ إِنَّ جُنْدَنا لَهُمُ الْغالِبُونَ.**» (طیب، ۲۰۳/۱۱) تفسیر نمونه، با گواه گرفتن آیاتی همانند از قرآن کریم در این زمینه و نیز گزاره «سَبَقَتْ کَلِمَتُنا» به سنت خداوند در پیروزی جبهه حق بر باطل پرداخته است: «پیروزی لشکر حق بر باطل و غلبه جنداللّه و یاری خداوند نسبت به بندگان مُرسَل و مخلص، از وعده‌های مسلّم او و از سنت‌های قطعی است که در آیات فوق به عنوان «سَبَقَتْ کَلِمَتُنا» (این وعده و سنت ما از آغاز بوده) مطرح شده است. نظیر این مطالب در آیات فراوان دیگری از قرآن مجید آمده است: در آیه ۴۷ سوره روم می‌خوانیم: «**وَ کانَ حَقًّا عَلَیْنا نَصْرُ الْمُؤْمِنِینَ**»... و در آیه ۴۰ سوره حج آمده است: «**وَ لَیَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ یَنْصُرُهُ**» ... و در آیه ۵۱ از سوره غافر می‌خوانیم: «**إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهادُ**» ... و بالاخره در آیه ۲۱ سوره مجادله از این پیروزی به عنوان یک سنت الهی سخن می‌گوید: **کَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِی**: خداوند مقرر داشته است که من و رسولانم به طور قطع غلبه خواهیم کرد! بدیهی است خداوندی که بر همه چیز تواناست و در وعده‌های او هرگز تخلف نبوده و نیست، می‌تواند به این وعده بزرگ خود جامه عمل بپوشاند و همانند سنت‌های تخلف‌ناپذیر عالَم هستی، بی‌کم و کاست، مردان حق را پیروز گرداند.» (مکارم شیرازی، ۱۸۷/۱۹ و ۱۸۸)

آیه ۵۶ از سوره مائده، از دیگر آیاتی است که این سنت الهی را یادآور شده است: «**وَ مَنْ یَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ**: و هرکس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولیّ خود بداند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

پیروزمندانند.» تفسیر نمونه، پس از پرداختن به سنت پیروزی «حزب الله» در همه میدان‌ها، به آسیب شناسی چرایی ناکامی مسلمانان در سده کنونی پرداخته است: «شک نیست که اطلاق آیه دلیل بر پیروزی مطلق آن‌ها در تمام جبهه‌هاست و به راستی اگر جمعیتی جزء حزب اللّه باشند، یعنی ایمان محکم و تقوا و عمل صالح و اتحاد و همبستگی کامل و آگاهی و آمادگی کافی داشته باشند، بدون تردید در تمام زمینه‌ها پیروز خواهند بود و اگر می‌بینیم مسلمانان امروز به چنان پیروزی دست نیافته‌اند، دلیل آن روشن است. زیرا شرایط عضویت در حزب اللّه که در بالا اشاره شد در بسیاری از آنها دیده نمی‌شود و به همین دلیل، قدرت‌ها و نیروهایی را که برای عقب نشاندن دشمن و حل مشکلات اجتماعی باید مصرف کنند، غالبا برای تضعیف یکدیگر به کار می‌برند!» (مکارم شیرازی، ۴۳۴/۴)

٤ـ زندگی کوتاه امت‌ها

در سی و چهارمین آیه از سوره اعراف می‌خوانیم: «**وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذا جاءَ أَجَلُهُمْ لايَسْتَأْخِرُونَ ساعَةً وَ لايَسْتَقْدِمُونَ**: و برای هر امّتی اجلی است. پس چون اجل شان فرارسد، نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش.»

هر گروهی راست، وقت و نوبتی　　در حیات و زندگی تا مدتی
پس چو بر سر آید ایشان را زمان　　نیست تأخیری و تقدیمی در آن

(صفی علی شاه، ۲۴۲)

«ثعلبی» از مفسرین بزرگ اهل سنت بر این باور است که «أجَل» در این آیه، زمان آغاز کیفر الهی است. (ثعلبی، ۲۳۱/۴)

«رشید رضا» در تفسیر المنار درباره دو شاخه گوناگون اجل امت‌ها آورده است:

خدا پیامبران را برای راهنمایی توده‌ها فرستاد، ولی مردم، فراخوان ایشان را از روی خودخواهی و دشمنی نپذیرفتند و چون آیات الهی را دروغ شمرده و هشدارهای پیغمبران را به ریشخند گرفتند، نابود شدند. مانند قوم نوح، عاد، ثمود، فرعون و لوط و ... . این سنت الهی درباره پیشینیان است: امت‌هایی که در برابر پیامبران بایستند، از بین می‌روند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

گونه دوم از زندگی کوتاه امت‌ها آن است کـه سـربلندی، مهتـری و خوشـبختی را بـا سرشکستگی، خواری و بدبختی جایگزین می‌کنند. خدا این سنت خود را درباره مردمی به کار می‌گیرد که سرگرم زشتی‌ها و گناهان رنگارنگ، خرافه پرستی و سـتم بـر یکـدیگر و ریخت و پاش‌های حرام شوند و در برابر آیات الهی بایستند. به دیگر سخن، چـون از اوج سرفرازی به خاک فرومایگی می‌افتند، گویی با دستان خود، مـرگ امـت خـویش را جلـو می‌اندازند. (رضا، ۴۰۲/۸ و ۴۰۳)

بدین سان، زمان هر امتی برای زیستن، اندک است و آن گاه که مرگ شان فرارسـد، راه گریزی ندارند. گویی اقوام و امت‌ها نیز مانند آدمیان، روزی پا به میدان زندگی می‌گذارنـد (چشم به جهان می‌گشایند) و روزی نیز بر پایه ستم و بیدادگری یا رواج گناه و بزهکـاری و... از یادها می‌روند. (چشم از جهان فرو می‌بندند.) آیت الله صدر در این باره آورده است: «یک قوم همه با هم به طور عادی نمی‌میرند، وقتی مُردن مردم به طور دفعی منظور باشـد. مقصود از مُردن، مردن حیات اجتماعی است نه حالتی که به این یا آن فرد قائم است، زیـرا اجل‌های مردم را وقتی با دید فردی، بنگریم معمولا مختلف اتفاق می‌افتد. ولی هنگامی کـه با دید اجتماعی به عنوان یک مجموعه به هم مربوط و مؤثر در همدیگر نسبت بـه عـدل و ظلم آن‌ها، سختی و آسایش آن‌ها بنگریم در این صورت دارای اجل واحدی مـی‌گردنـد.» (صدر، ۶۴)

نگارنده تفسیر کوثر درباره ایـن سـنت تـاریخی، نگـاه دانشـمندان «فلسـفه تـاریخ» را دستمایه سخن خویش گرفته و جوامع را ماننـد آدمیـان، دارای دوران‌هـای گونـاگونی در زندگی دانسته که هرگاه زمان مرگ شان فرا رسد، ناگزیر از بین خواهند رفت: «طبـق ایـن آیه و چند آیه دیگر، هر ملتی و هر جامعه‌ای مانند یک فرد انسانی، اجـل معینـی دارد کـه چون اجل به سر رسد، آن جامعه نابود خواهد شد. بسیاری از جامعه شناسان و دانشمندان فلسفه تاریخ نیز معتقدند که هر جامعه‌ای و هر تمدنی عمری دارد که به سر خواهـد آمـد و بعضی از آنها مانند ابن خلدون، هر جامعه‌ای را به یـک فـرد انسـانی تشـبیه مـی‌کنـد کـه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

دورانهای کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری را سپری کـرده، بـالاخره بـه مرحلـه مرگ خواهد رسید و چون به آن مرحله، گام نهـاد، هـیچ چیـزی آن را از سـقوط نجـات نخواهد داد.» (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۴: ۶۱) در تفسیر نمونه در شناساندن این سـنت تـاریخی درباره امت‌های گوناگون، آمده است: «بررسی فنای تمدن‌هایی همچون تمدن بابل و فراعنـه مصر و قوم سبأ و کلدانیان و آشوریان و مسلمانان اندلس و امثـال آن‌هـا، ایـن حقیقـت را نشان می‌دهد که در لحظه فرا رسیدن فرمان نابودی که بر اثر اوج گرفتن فساد صادر شـده بود، حتی ساعتی نتوانستند پایه‌های لرزان حکومت‌های خویش را نگـاه دارنـد.» (مکـارم شیرازی، ۱۵۸/۶)

نگارنده کتاب «سنت‌های تاریخ در قرآن»، شهادت حسین بن علـی﵇ را گـواه سـخن خود گرفته و بر این باور است زمانی که اسلام به فتنه‌ای چون زمامداری تبهکاری همچون یزیدبن معاویه دچار شد، خشک و تر باهم سوختند و گویی مـرگ امـت اسـلامی رخ داد: «فردی که حرکت دارد می‌گوئیم زنده است، آن گاه می‌میرد. همان گونه که مرگ فرد، تـابع اجل است و قانونی دارد و نظامی، همان گونه ملت‌ها اجل‌های مضبوطی دارند و قوانینی بر هر امتی حکومت می‌کند. وقتی بلا و عـذاب بـر مسـلمین بـر اثـر انحرافـاتی کـه داشـتند فرودآمد، یزیدبن معاویه به عنوان خلافت بر آنها مسلط شد تا بر نفوس و اموال و اعـراض و عقائدشان حکومت کند. هنگامی که این بلا فرودآمد، تنها به سـتمگران جامعـه اسـلامی اکتفا نکرد، در آن روز به حسین﵇ مظهر پاک‌ترین، تربیت شده‌تـرین، عـادل‌تـرین و پـاک نهادترین مردم روی زمین امام معصوم﵇ نیز شامل شد و با آن کشتار فجیع، او و یـاران و خاندانش کشته شدند. این‌ها همه منطق سنت‌های تاریخ است.» (صدر، ۶۳ و ۶۴)

۵ـ بیداد؛ نابودگر امت‌ها

ستم و بیدادگری، همواره یکی از مهم ترین زمینه‌های نابودی امـت‌هـا در تـاریخ بـوده است: «**وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُـوا وَ جـاءَتْهُمْ رُسُـلُهُمْ بِالْبَيِّنـاتِ وَ مـا كـانُوا**

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

لِيُؤْمِنُوا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمين: و قطعاً نسل‌های پیش از شما را هنگامی که ستم کردند به هلاکت رساندیم و پیامبران شان دلایل آشکار برای شان آوردند و[لی] بر آن نبودند که ایمان بیاورند. این گونه مردم بزهکار را جزا می‌دهیم.» (یونس، ۱۳)

ما توبه کردیم ز اهل قرن‌ها — آن چه کردند اِستم از پیش از شما
می نبودند آن که ایمان آورَند — رو به حق ز انکار و کفران آورَند
مشرکان را هم دهیم این سان جزا — که جزا دادیم اندر ما مضی

(صفی علی شاه، ۳۱۷)

در این آیه و آیاتی از این دست، ریشه از میان رفتن پیشینیان، «ستم» شناسانده شده و نابودی بزهکاران هم پیامد ناگوار کارهای ناپسند خود آن‌هاست. «تفسیر قمی»، فرجام تاریک «عاد» و «ثمود» و همه آنان که به واسطه بیدادگری، از بین رفته‌اند را از نمونه‌های سنت تاریخی نهفته در این آیه می‌داند. (قمی، ۳۰۹/۱)

زمخشری در کشاف، «لام» را در «**وَ ما كانُوا لِيُؤْمِنُوا**» لام تأکید نفی گرفته، بدین معنی که تبهکاران هرگز آهنگ پذیرش فرمان خدا را ندارند. خدا هم می‌داند که آنان، گردن نمی‌نهند، زیرا ناسپاسی و خودکامگی را به اوج رسانده اند. وی سپس به ریشه نابودی پیشینیان پرداخته و بر این باور است که افزون بر رویارویی تبهکاران با پیامبران و دروغ شمردن پیام ایشان، ستم و بیداد فراوان هم، دستاویزی است تا مهلت دادن به آنان برای بازگشت و پذیرش فراخوان پیغمبران، بیهوده باشد. از این‌رو، سنت الهی، «نابودی» آنان است. (زمخشری، ۳۳۳/۲)

علامه طباطبایی درباره «التفات» به کار رفته در گزاره «**كَذٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمينَ**» آورده است: «روی سخن را از تبهکاران به سوی پیامبرﷺ برگردانده و فرموده ما تبهکاران را این‌گونه سزا می‌دهیم. نکته این التفات هم در آن است که خواسته سنت الهی را در نابودی بدکاران به کسی یادآوری کند که اهل فهم آن است (پیامبرﷺ) که هم این سخن را می‌فهمد و هم به راستی آن باور دارد، نه آن مردم بزهکاری که باوری ندارند، چون اگر باور داشتند، آن را ردّ نمی کردند.» (طباطبایی، ۲۴/۱۰)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

سخن درباره «سنت‌های رایج در تاریخ» را با فرازهایی پندآموز از خطبه ۲۳۰ نهج‌البلاغه به پایان می‌بریم: «مفریبَد شما را دنیا چنان که فریفت کسانی را که پیش از شما بودند. از آنان که گذشتند و رفتند و جای خویش، تُهی هِشتند. آنان که دنیا را دوشیدند و شرنگ فریبش را نوشیدند. نابود کردند آن چه را به کار آید و کهنه کردند آن را که نو باید. خانه‌هاشان گورستان شد و دارایی‌شان مرده ریگ این و آن.» (شهیدی، ۲۶۳ و ۲۶۴)

نتایج مقاله

واژه شناسان، مفسرین و محدثین، «سنت» را روش، شیوه، رسم، آیین و هنجار دانسته‌اند و «سنت الهی» نیز در نگاه بیشتر دانشوران علوم دینی، بایدها و نبایدهای الهی و روش پایدار و همیشگی خدا درباره امت‌های گذشته، حال و آینده است. «سنت» از دیرباز و در میان اقوام و امت‌های گوناگون، دربرگیرنده دو گونه «پسندیده و ناپسند» بوده که سنت‌های پسندیده، هنجارهای رایج در فرهنگ است که اسلام آن‌ها را پذیرفته و بیشتر مردم هم به آن‌ها پای بندند. ناگفته پیداست که سنت‌های ناپسند با سرشت آدمی و بنیادهای دین، ناسازگار، در نگاه خردمندان و فرهیختگان، بی ارزش و نزد توده‌ها نکوهیده‌اند.

سنت‌های الهی در سه گروه «سنت‌های رایج در تاریخ، سنت‌های دنیوی و اخروی و سنت‌های رهیافتگان و گمراهان» بازشناسی شد که در این پژوهش، تنها به گونه نخست پرداختیم. سنت‌های الهی رایج در تاریخ، سه ویژگی برجسته دارند: فراگیر و خدایی بودن و پیوند آن‌ها با «آزادی و اختیار» آدمی. در پایان نیز پنج سنت مهم تاریخی را بررسی کردیم: «زمامداری شایستگان، بالندگی و همه‌گیر شدن اسلام، پیروزی پیامبران و باورمندان، زندگی کوتاه امتها و بیداد؛ نابودگر امت‌ها».

در پایان، از رهگذر این پژوهش قرآنی دریافتیم سنت‌های الهی رایج در تاریخ ـ که در آیات قرآن نیز بازتابی ویژه دارند ـ ابزاری کارآمد برای آزمایش بندگان و نمایاندن فرجام روشن یا تاریک آن‌هاست. از این رو، شناخت این سنت‌های الهی می‌تواند همچون شمعی روشن، فراروی راه آیندگان باشد تا دنیا و آخرت خویش را آباد سازند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. فولادوند، محمدمهدی، ترجمه قرآن، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران، ۱۴۱۸ هـ ق، سوم.

۳. ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، محقق/مصحح:غفاری، علی اکبر، دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳هـق، دوم.

۴. همو، ترجمه من لا یحضره الفقیه، غفاری، علی اکبر وغفاری، محمد جواد و بلاغی، صدر، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۷ هـش، اول.

۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳هـق، دوم.

۶. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، محقق/مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴هـ ق، اول.

۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق/ مصحح: میردامادی، جمال الدین، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع – دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ هـق، سوم.

۸. اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، مصحح: محدث، جلال‌الدین، دفتر نشر داد، تهران، ۱۳۷۳ هـ ش، اول.

۹. امین، نصرت‌بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی نا، بی جا، اول.

۱۰. ثعلبی، احمدبن محمد، الکشف و البیان المعروف بتفسیر الثعلبی، محقق: ابن عاشور، ابی محمد، دارإحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲هـ ق، اول.

۱۱. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، مؤسسه انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۶ هـ ش، اول.

۱۲. حکیمی، محمدرضا و محمد و علی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ هـ ش، اول.

۱۳. خرمشاهی، بهاءالدین، دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی، ناهید، ۱۳۹۳، چهارم.

۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۴۱هـش، اول.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، محقق: داوودی، صفوان عدنان، دار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ هـ ق، اول.

۱۶. رضا، محمدرشید، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۴ هـ ق، اول.

۱۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح: حسین احمد، مصطفی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ هـ ق، سوم.

۱۸. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، میقات، تهران، ۱۳۶۳ هـ ش، اول.

۱۹. شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، شهیدی، جعفر، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸ هـش، چهاردهم.

۲۰. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحیط فی اللغه، محقق/ مصحح: آل یاسین، محمد حسن، عالم الکتاب، بیروت، ۱۴۱۴ هـق، اول.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

۲۱. صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان، شکرانه، قم، ۱۳۸۸ هـ ش، اول.
۲۲. صدر، محمدباقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، محقق: موسوی اصفهانی، جمال الدین، تفاهم، تهران، ۱۳۸۱ هـ ش، سوم.
۲۳. صفی علی شاه، محمد حسن بن محمد باقر، تفسیر قرآن صفی علی شاه، منوچهری، تهران، ۱۳۷۸ هـ ش، اول.
۲۴. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۲ هـ ش، چهارم.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ هـ ق، دوم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل‌الله و رسولی، هاشم، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲هـ ش، سوم.
۲۷. همو، تفسیر جوامع الجامع، مصحح: گرجی، ابوالقاسم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۲ هـ ق، اول.
۲۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ هـ‌ش، سوم.
۲۹. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، اسلام، تهران، ۱۳۶۹ هـ ش، دوم.
۳۰. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵، نهم.
۳۱. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، مؤسسه دارالهجره، قم، ۱۴۱۴ هـ‌ق، دوم.
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق: موسوی جزایری، طیب، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۳ هـ ش، سوم.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ هـ‌ق، چهارم.
۳۴. همو، الکافی، ترجمه مصطفوی، سیدجواد، کتاب فروشی علمیه اسلامیه، تهران، ۱۳۶۹ هـ‌ش، اول.
۳۵. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، دار الکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۲۴ هـ ق، اول.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ هـ ش، دهم.
۳۷. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت، بی‌تا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.3.2]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]